

سبک زندگی مدرن و افزایش آمار طلاق

طبق آمارها در سال‌های اخیر طلاق در کشور ما رشد چشم‌گیری داشته است.



طبق آمارها در سال‌های اخیر طلاق در کشور ما رشد چشم‌گیری داشته است. شاید این امر در کشورهای غربی که روابط در آن‌ها بر اساس فردگرایی شکل می‌گیرد و دین از جایگاهی تشریفاتی برخوردار است کسی را به تعجب و اندازد اما وقوع این مسئله در کشور اسلامی ما بسیار تأمل‌برانگیز است، چرا که آموزه‌های دین سراسر از توصیه‌هایی در جهت حفظ و استحکام هر چه بیشتر نهاد خانواده است. اسلام به حفظ نهاد خانواده اهتمام ویژه‌ای دارد. در یک جمله می‌توان گفت خانواده شاهراه اصلی رسیدن به پیشرفت و کمال است و همین جایگاه عظیم سبب شده که عوامل مختلف دست به دست هم دهند تا این مسیر را مسدود کنند. دشمن از این راه درصدد است تا با هدف گرفتن خانواده و تقدس زدایی و از بین بردن کارکردهای آن جلوی پیشرفت جامعه را بگیرد زیرا پیشرفت و سلامت جامعه در گرو خانواده‌ی سالم است. یکی از راهبردهای غرب در راستای این هدف، تغییر سبک زندگی است. این پدیده را که از پایه‌های اصلی مدرنیته به شمار می‌رود و تغییر ارزش‌ها را نیز به دنبال دارد، می‌توان عامل اصلی طلاق در عصر حاضر به شمار آورد که سبب کم‌رنگ شدن معنویت و تغییر هویت فردی و اجتماعی فرد و در نتیجه تضعیف و فروپاشی نهاد مقدس خانواده می‌شود.

بیشتر بخوانید: خانواده، مهمترین رکن اجتماعی

به همین دلیل هویت زن و مرد مسلمان در عرصه‌ی دین و اجتماع؛ نقطه‌ی استراتژیک تهاجم غرب در عرصه‌ی جنگ نرم به شمار می‌رود که متأسفانه با تمام تجهیزات مدرن خود از جمله ماهواره، اینترنت، کتاب و ... آن را نشانه گرفته‌اند. در این نوشتار ابتدا به اختصار دیدگاه اسلام را در مورد تشکیل خانواده و ضرورت حفظ آن مورد بررسی قرار می‌دهیم و سپس به بررسی دلایل افزایش طلاق می‌پردازیم.

خانواده، مقدس‌ترین نهاد در اسلام از منظر اسلام خانواده مقدس‌ترین نهاد و بستری برای آرامش، تربیت و رشد نسل به شمار می‌آید. اهمیت این مسئله از آنجایی است که خانواده پایه‌ی اصلی جامعه است و جامعه‌ی سالم در گرو خانواده‌ی سالم می‌باشد؛ چرا که اولین نهادی است که فرد به آن ورود پیدا می‌کند و در آن پرورش می‌یابد. در متون دینی ما توصیه‌های فراوانی در راستای تقدس و تحکیم پایه‌های خانواده وارد شده است. با بررسی علل طلاق به خوبی متوجه این مسئله می‌شویم که اصلی‌ترین راهبرد غرب در تضعیف نهاد خانواده تغییر هویت زنان مسلمان است که با القای زن‌محوری، تضعیف نقش مرد، نقش مادری و همسری، کم ارزش جلوه دادن خانه‌داری و ارزشمند جلوه دادن مشاغل بیرون از منزل، مصرف‌زدگی و ... ابتدا به تغییر نگرش زنان مسلمان و در نتیجه به تقدس‌زدایی و سست کردن پایه‌های خانواده می‌انجامد. آن‌ها با درک نقش محوری و اهمیت جایگاه زن در خانواده به خوبی دریافته‌اند که برای رسیدن به اهداف خود گام اول را باید از این نقطه آغاز کنند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامات و کنیزان صالح و درست‌کاران را، اگر فقیر و تنگ‌دست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌کند. خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است.» [1] و در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: «و از جمله نشانه‌های خدا این است که برای شما همسرانی آفرید که با آن‌ها آرامش پیدا کنید و در میانتان دوستی و مهربانی قرار داد.» [2] این 2 آیه و آیات بسیار دیگری بر ضرورت ازدواج و تشکیل خانواده تأکید می‌کنند و زن و مرد را مایه‌ی آرامش یک‌دیگر می‌دانند. این دقیقاً مخالف دیدگاهی است که در جامعه به وجود آمده است. دیدگاهی که راحتی و آرامش را مختص به دوران مجرد و ازدواج را آغاز تمام مشکلات و گرفتاری‌های می‌داند و مشکلات اقتصادی را عاملی برای فرار از ازدواج بیان می‌کند که به طور حتم تبعات آن گریبان جامعه را خواهد گرفت. در حالی که خداوند در سوره‌ی نور آیه‌ی 32؛ به بندگان خود وعده داده است: «اگر فقیر و تنگ‌دست باشید خداوند از فضل خود شما را بی‌نیاز می‌کند» و خداوند هرگز از وعده‌ی خود تخلف نمی‌کند...

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند: «هیچ بنیانی در اسلام محبوب‌تر از ازدواج در نزد خداوند نیست.» [3]

همچنین در حدیث دیگری می‌فرمایند: «هر که ازدواج کند نصف دین خود را حفظ کرده است، پس در نیمه‌ی دیگر از خدا تقوا پیشه کند.» [4]

در این احادیث و احادیث بسیار دیگر بر ضرورت تشکیل خانواده به عنوان راهی برای رسیدن به کمال و پیشرفت معنوی تأکید شده است؛ همچنین احادیث فراوانی در مورد حقوق متقابل زن و شوهر وارد شده است که اگر آن‌ها را چراغ راه زندگی خود قرار دهند از این راه پر خطر به سلامت عبور خواهند کرد و هرگز در زندگی به مشکلات حاد و لاینحلی که منجر به جدایی می‌شود بر نخواهند خورد؛ اما دلیل این همه مشکلات ما این است که متأسفانه به دین به عنوان دستورالعملی برای زندگی نگاه نمی‌کنیم.

از منظر دین علاقه و معنویت را می‌توان به منزله و خانواده؛ می‌توان به پایه و اصل برای خانواده به شمار آورد که با حذف و سست شدن یکی از آن دو؛ شمارش معکوس برای فروپاشی خانواده آغاز می‌شود. اتفاقی که در عصر حاضر می‌توان به وضوح آن را مشاهده کرد.

تغییر سبک زندگی و دوری از آموزه‌های اسلام تغییر سبک زندگی را می‌توان ارمغان مدرنیته در عصر حاضر به شمار آورد. به عقیده و برخی، به وجود آمدن شیوه‌های جدید زندگی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است که با حرکت جوامع به سمت پیشرفت و صنعتی شدن رخ می‌نماید؛ اما حقیقت این است که پایه و اساس سبک زندگی در جامعه و سنتی ایران بر اساس اسلام بنا شده است و تغییر آن به منزله و تغییر سبک زندگی اسلامی به شیوه‌های مدرن و وارداتی است که با فرهنگ اسلامی ما هیچ‌گونه همخوانی ندارد و در نتیجه تغییر هویت فرد مسلمان را به دنبال دارد. در حقیقت هویت و سبک زندگی با یک‌دیگر رابطه و یک‌دیگر تأثیر متقابل می‌گذارند.

با مقایسه و شیوه‌های زندگی دهه‌های اخیر به خوبی می‌توان سرعت این تغییرات را دریافت. این مسئله در جامعه و امروز ابعاد بسیار وسیعی پیدا کرده است و شیوه‌های زندگی افراد در مقیاس فردی، خانوادگی، اجتماعی و... روز به روز بیشتر از معیارهای اسلامی فاصله می‌گیرد.

بیشتر بخوانید: سبک زندگی رضوی و راهکارهای مقابله با طلاق

از مصادیق تغییر سبک زندگی می‌توان به تغییر الگوی تأمین معاش در خانواده به تقلید از کشورهای غربی اشاره کرد؛ البته نمی‌توان ضرورت‌های جامعه و امروز را برای حضور زنان در برخی مشاغل زنانه نادیده گرفت اما آنچه در حال حاضر در جامعه و ما اتفاق می‌افتد این است که حتی در مواقع غیر ضروری و تنها با این استدلال که زن باید به استقلال مالی برسد تا به مرد وابسته نباشد، به اشتغال بیرون از منزل روی می‌آورند که این مسئله به خودی خود عامل به وجود آمدن مشکلات بسیاری برای فرد و جامعه خواهد شد که شایسته است در مقاله و به صورت تفصیلی به این مسئله پرداخته شود.

در حالی که اسلام بنا به مصالحی که متوجه خود زن، خانواده و اجتماع است. زحمت کار بیرون از منزل را از دوش زن برداشته و به عهده و مرد قرار داده است اما متأسفانه می‌بینیم که اشتغال بیرون از منزل برای زنان ما به عنوان یک ارزش در آمده است و در عوض خانه‌داری و تربیت فرزند به وقت هدر دادن و سوزاندن فرصت‌های پیش روی زنان ما تبدیل شده است.

مسئله مهم دیگر تغییر سبک ساده زیستی است که تا همین چند سال اخیر بر خانواده‌های ایرانی حاکم بود و روی آوردن به زندگی تجملاتی و ایجاد مصرف‌زدگی در بین خانواده‌هاست؛ متأسفانه در این مسئله هم مشاهده می‌کنیم که بیشترین تلاش دشمن در تغییر روحیه و زنان بوده است زیرا آنان هسته و اصلی خانواده را تشکیل می‌دهند و بر نوع نگرش همسر و فرزندان بسیار اثرگذار می‌باشند؛ همچنین همین مسئله خود از دلایل اصلی روی آوردن به اشتغال بیرون از منزل است. به هر حال این مسئله به خودی خود سبب به وجود آمدن انحراف‌های فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی افراد می‌شود که متأسفانه طلاق یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های آن است.

تغییر نوع تعامل زن و مرد هم از مواردی است که تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله ماهواره‌ها به سبک غربی آن درآمده! در این میان برگشتن به آموزه‌های اسلام و برگرداندن آرامش به کانون خانواده بهترین راهکار حل این مشکلات می‌باشد. اگر چه گاهی مشاوران ما هم توصیه‌هایی به طرفین می‌کنند که نه تنها کمکی به حل مشکلاتشان نمی‌کند بلکه با آموزه‌های دین ما هم در تناقض کامل است!

حقیقت این است؛ با تغییر سبک زندگی که مسلماً به دنبال خود تغییر ارزش‌ها را نیز در پی خواهد داشت، نهاد خانواده از درون تضعیف خواهد شد که از این مسئله می‌توان به عنوان عامل اصلی طلاق نام برد زیرا اولین قربانی آن معنویت است که درون سبک زندگی غربی، باورها و فرهنگ جدید آن استحاله می‌گردد و همان‌طور که ذکر شد، معنویت از ارکان اصلی خانواده در اسلام به شمار می‌آید که خانواده بر پایه و آن بنا شده است.

متأسفانه در جامعه شاهد این مسئله هستیم که الگوگیری غلط خانواده‌ها و جوانان سبب افزایش ناسازگاری بین زن و مرد، مصرف‌گرایی، تغییر نوع پوشش و... شده است. آنچه در این بین از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، این است که باید مراقب باشیم تا شیوه‌های جدید زندگی با فرهنگ دینی ما سازگار باشد و به تغییر و استحاله ارزش‌ها و اعتقادات ما نینجامد. استراتژی غرب در تغییر هویت زن مسلمان

با بررسی علل طلاق به خوبی متوجه این مسئله می‌شویم که اصلی‌ترین راهبرد غرب در تضعیف نهاد خانواده تغییر هویت زنان مسلمان است که با القای زن‌محوری، تضعیف نقش مرد، تضعیف نقش مادری و همسری، کم ارزش جلوه دادن خانه‌داری و ارزشمند جلوه دادن مشاغل بیرون از منزل، مصرف‌زدگی و ... ابتدا به تغییر نگرش زنان مسلمان و در نتیجه به تقدس‌زدایی و سست کردن پایه‌های خانواده می‌انجامد. آن‌ها با درک نقش محوری و اهمیت جایگاه زن در خانواده به خوبی دریافته‌اند که برای رسیدن به اهداف خود گام اول را باید از این نقطه آغاز کنند.

این مسئله که تمایز حقوق زن و مرد به تفاوت نوع آفرینش و تفاوت نیازها و توانایی‌های آن‌ها برمی‌گردد بر هیچ فرد عاقل و منصفی پوشیده نیست و اسلام را می‌توان اصلی‌ترین حامی و مدافع حقوق زنان به شمار آورد زیرا نه تنها حقوق زن در اسلام نادیده گرفته نشده بلکه در تمامی احکام و دستورات آن ظرافت روح و جسم زن در نظر گرفته شده، مسئله‌ای که هرگز در نظریه‌های فمینیستی و به اصطلاح بشر دوستانه دیده نشده است اما آنان با غیرعادلانه خواندن احکام اسلام در مورد زنان و به دست گرفتن پرچم حقوق بشر؛ شروع به سر دادن شعارهایی کردند که ظاهری زیبا و فریبنده داشت، ولی از درون پوچ و دروغین بود و بیشترین حمله‌های خود را متوجه مسئله‌های تمایز بین حقوق زن و مرد کردند.

از نظر پرچم‌داران دفاع از حقوق زنان، زیر بار مسئولیت همسری و مادری رفتن سبب پایمال شدن حقوق زن و در عوض کم رنگ شدن یا نپذیرفتن این نقش‌ها و الگو قرار دادن مردان در اشتغال بیرون از منزل و انجام کارهای مردانه سبب اقتدار و شکوفایی آنان خواهد شد.

فارغ از نتایج افکار فمینیستی در غرب باید اذعان داشت؛ افراط در این مسئله غرب را با چالشی جدی مواجه کرده است، مانند فردی که در باتلاق گرفتار می‌شود و هر چه بیشتر دست و پا می‌زند و برای نجات خود تلاش می‌کند بیشتر در آن فرو می‌رود و می‌خواهد تا دیگران را نیز با خود به درون باتلاق بکشد.

در واقع غرب خود اولین قربانی نظریه‌های دور از عقل و منطق فمینیستی است که نتیجه‌های جز تحقیر زن، کمبود عاطفی، نبود امنیت، به چالش کشیدن مفهوم مادری، افزایش میزان خشونت در خانواده، افزایش کودکان نامشروع، رواج گسترده‌ی زندگی‌های مجردی، گسترش همجنس‌گرایی و در یک جمله نابودی زن و نابودی انسانیت را در پی نداشته است.

با تأمل در نظریه‌های فمینیستی متوجه این مسئله می‌شویم که بین شعار فمینیست‌ها مبنی بر احقاق حقوق زنان و آنچه در عمل اتفاق می‌افتد تناقض آشکاری وجود دارد، زیرا زن از حقوق اولیه‌ی خود که آرامش و امنیت روانی در سایه‌ی خانواده است و با قیومیت مرد حاصل می‌شود محروم می‌گردد و با نادیده گرفتن نقش همسری، مادری و ... به طلاق و فروپاشی نهاد خانواده دامن می‌زند که این مسئله خود جامعه را با بحران جدی مواجه می‌سازد اما این مسئله در آموزه‌های فمینیستی فراموش شده که زن خود عضوی از پیکر جامعه است و اولین آسیب متوجه خود اوست!

در حالی که دین اسلام از همان ابتدا برای زن جایگاهی بسیار رفیع قائل شده و زن و مرد را مکمل یک‌دیگر قرار داده است و در مقابل ظلم و ستمی که به زنان روا می‌شده به مردان توصیه‌ی فریاد زدن کرده است که با زنان به گونه‌ی شایسته رفتار کنید و به آن‌ها محبت کنید و همین طور در مسئله‌ی حق رأی برای زن و مرد حقوق مساوی قائل شده و برای وی حق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی را قرار داده است...

قیح زدایی از مغبوض‌ترین حلال خدا
با بررسی آیات و روایات اسلامی درمی‌یابیم که همان اندازه که در اسلام بر ازدواج و تشکیل خانواده تأکید شده، به همان اندازه نیز به حفظ و نگهداری از آن سفارش شده است. چرا که نهال خانواده برای ادامه‌ی حیات و به ثمر نشستن خود نیاز به رسیدگی و مراقبت ویژه‌ی دارد. در آیات و روایات از طلاق به عنوان مغبوض‌ترین حلال خداوند یاد شده است؛ همچنین در آیات بسیاری بر ضرورت حفظ خانواده تأکید شده و طلاق به عنوان آخرین راه حل و تنها در صورتی که سبب عسر و حرج فرد شود، توصیه شده است.

اگرچه درک محدود انسان سبب می‌شود که به طور کامل به مصالح و مفاسد امور آگاهی پیدا نکند اما با بررسی پیامدهای طلاق تا حدودی می‌توان به دلایل منفور بودن این مسئله در اسلام پی برد. آسیب‌های فردی و اجتماعی طرفین بعد از طلاق (به خصوص خانم‌ها) همچنین سرنوشت مبهم فرزندان، آسیب‌های روحی و روانی که از طلاق والدین نصیبشان می‌شود و مسائل و مشکلات فراوانی که از این راه‌گریبان جامعه را می‌گیرد و ...؛

از جمله مشکلاتی است که با فروپاشی یک خانواده به وجود می‌آید. فهم این مسائل شاید تا حدودی به درک ضرورت گذشت زن و مرد در برابر یک‌دیگر کمک کند؛ البته در صورتی که روحیه‌ی فردگرایی بر آن‌ها حاکم نشده باشد اما حقیقت این است که با تغییر سبک زندگی و تغییر ارزش‌ها، روح معنویت در بین خانواده‌ها کم‌رنگ شده و همین مسئله سبب گردیده تا مفاهیم ارزشی و اخلاقی مانند گذشت‌ناقص؛ در زندگی به باج دادن یا کم آوردن در برابر یک‌دیگر تعبیر شود!

متأسفانه در حال حاضر کوتاه شدن عمر زندگی مشترک به یک مسئله در جامعه تبدیل شده که اگر به زودی برای حل آن چاره‌ی اندیشیده نشود به زودی به یک بحران جدی تبدیل خواهد شد که این مسئله

هوشیاری مردم، مسئولین و نخبگان را می‌طلبد. عمق فاجعه تا آن جایی است که علاوه بر افزایش این معضل بزرگ، جامعه در راستای قبح‌زدایی از این مسئله گام برمی‌دارد. برگزاری جشن طلاق به تقلید از فرهنگ غرب و دعوت دوستان و آشنایان برای شرکت در این مراسم در جامعه اسلامی ما جای بسی تأسف و تعجب دارد.

وقتی زندگی رنگ و بویی از دین و فرهنگ اسلام نداشته باشد، وقتی خانواده تقدس خود را در دید افراد از دست بدهد و ازدواج بیشتر جنبه‌زدایی تشریفاتی پیدا کند. وقتی ازدواج‌های سنتی که بر پایه‌های فرهنگ اسلامی و شناخت و باور صحیح از زندگی مشترک جای خود را به ازدواج‌هایی به سبک مدرن و دوستی‌های خیابانی، اینترنتی و ... بدهد. دیگر قبح‌زدایی و برگزاری جشن طلاق به شیوه‌های مدرن امری دور از ذهن و تعجب‌برانگیز نخواهد بود!

نتیجه‌گیری
در نهایت می‌توان دور شدن از آموزه‌های اسلام و ضعف و تسلیم در برابر تهاجم فرهنگی غرب را به عنوان مهم‌ترین عامل در تغییر فرهنگ اسلامی و در نتیجه افزایش آمار طلاق دانست.

3 گام اصلی که می‌تواند در برابر هجوم‌های همه‌جانبه و برنامه‌ریزی‌های کلان و بلندمدت دشمن در تغییر هویت دینی ما در بلند مدت مؤثر واقع شود عبارت‌اند از:

1. بیداری و آگاهی در برابر اهداف و راهبردهای غرب؛

2. بازگشت به بطن دین؛

3. نظریه‌پردازی در حوزه‌های مختلف با استفاده از متون و منابع دینی.

متأسفانه سیر صعودی آمار طلاق در کشور ما از این حقیقت تلخ حکایت می‌کند که نه تنها از اهداف و راهبردهای غرب اطلاعی نداریم، بلکه کورکورانه تن به خواسته‌های آن‌ها نیز داده‌ایم و در جهت اهداف و برنامه‌ریزی‌های آن‌ها حرکت کرده‌ایم. متأسفانه در مقابل سال‌ها تلاش و پشت‌کار غرب در تخریب فرهنگ اسلامی و تضعیف نقش واقعی زن، به عنوان یک مسلمان اقدام درخور توجهی انجام نداده‌ایم.

شاید بتوان سادگی و خوش‌باوری برخی افراد در برابر سیاست‌های غرب را دلیل اصلی مشکلات آن‌ها به شمار آورد در حالی که منابع عظیمی از دستورات و راهکارهای اسلام را برای زندگی موفق در اختیار داریم که در دل آن‌ها هزاران نظریه در تمام ابعاد زندگی نهفته است و به جای نظریه‌پردازی و ارائه‌های الگو به دیگر کشورها خود به تقلید کورکورانه از آن‌ها می‌پردازیم و هر آنچه را که غرب به اسم آزادی و حقوق بشر و مدرنیته و ... به ما القا می‌کند به حکم ضرورت می‌پذیریم.

با توجه به این مسئله که تک‌تک ما در برابر حفاظت از فرهنگ و دین خود مسئولیم اما در این بین نخبگان نیز می‌توانند با بررسی متون اسلامی و استخراج نظریه‌های مختلف در حوزه‌های زنان و خانواده گام مؤثری بردارند؛ همچنین رسانه‌ها می‌توانند در ترسیم هویت واقعی زن مسلمان و ارائه‌های الگوی موفق زندگی نقشی اساسی ایفا کنند. مسئله‌ای که متأسفانه کمتر در فیلم‌ها و سریال‌های مشاهده می‌کنیم و در اکثر موارد شأن واقعی زن در فیلم‌ها نادیده گرفته می‌شود.

دولت نیز می‌تواند با حمایت‌های قانونی و اجتماعی از زنان خانه‌دار سبب شود تا زنان هویت واقعی خود را در درون خانه جست‌وجو کنند؛ همچنین تقویت روح معنویت از راه نظام آموزشی، رسانه و انتقال آن به نهاد خانواده می‌تواند در کاهش معضلات اجتماعی از جمله طلاق اثر گذار باشد.

پی نوشت ها :

[1]. سوره‌های نور: 32

[2]. سوره‌های روم: 21

[3]. حر عاملی، ج 4، ص 3

[4]. حر عاملی، بی‌ژن، ج 4، ص 5

نویسنده: مریم عسگری‌زاد
منبع: برهان